حق دفاع از خویش در فقه امامی

جعج الامام محمد سروش محلاتی

1- استاد حوزه علمیه فم و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

خلاصه

دفاع از خویش، حقی است که ریشه در فندر انسان دارد. در فقه اسلامی نه تنها براین "حق" تأکید شده بلکه به عنوان یک "تکلیف" شناخته شده است. ولی از این جامعه اسلامی "فرصت" دفاع در اختیار کسانی که مورد تهاجمان، قرار داده می‌شود، پاسخ فقه اسلامی به این سوال مثبت است. مثلاً در شرایطی که امکان حضور شخص متهم در دادگاه وجود دارد و فرصت دفاع برای او قرآن نشده است یا به تملک مجازات تن توان محکوم کرد.

کلیدواژه‌ها: دفاع - غیبت - نهی از منکر - حکم غیبت - مجازات

نویسنده مسئول: جعج الامام محمد سروش محلاتی، حوزه علمیه فم و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

e.mail:m.soroosh.mahallati@gmail.com

مقدمه

"دفاع از خویش" گرابیشی فئری است که هر چهار در جان انسانی از این اساسیت را قرار داده است و همین گرابیشی که در آمده‌یان وجود دارد، سندرن بر "دفاع" برای آنهاست. از این رو که گزارش کهتجان، مالیا ابیوریش مورد تعمق و تعریف قرار می‌گیرد، به حکم فردر که داده زنده که دفاع از خود اقدام کند و الیک در اسلام که آمده‌یان ویژه بر فرد اسر ارجاع گردد. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: "تردیدی نیست که در نهایت انسان نوری و وجد دارد که او را به دفاع از آنچه که محترم می‌شود بر می‌آورد، دفاع از خویشن، زن ابوعو و مانند آن پس دفاع "حمک" به اقتضای حفظ انسانیت است که به آن را به درون خود دریافت می‌کند" (1)

فقط در این باره گیا که جهل امداد و تنها یا گیر حق از انسان دارد، بلکه دفاع از خود را "تکلیف" هر انسانی می‌دانند. مثلاً امام خمینی می‌گوید: "دفاع حق هر انسانی است و واجب است بر انسان دفاع از خود" (2)

به علاوه آنان گام سوم را هم برداشته‌اند که شخص مورد تهاجم، علاوه بر دفاع از خود می‌تواند به "مقابلت به مثل" هم اقدام کند، چون دفاع از خود می‌تواند: "حقیقی اعدمی علیه فرد می‌باشد". (سورة الفقه آیه ۱۹۳) این باره داده شده است به دلیل "سهوت" و "آسانی" انتخاب دیگر فناوری‌ای است و همین شیوع، موجب آن گردیده که قد و زشتی آنان، به فراموشی سپرده شده و پس ازمقابل بودن آن نادیده اگانسته شود. این در حالی است که سرقت و دزدی در جامعه ما، به شیار قبیح و زشت شعرده می‌شود. این "مارک" در عرف اجتماعی و حتی در میان مدرنیت، نگذ و عار بیشتری را در مقابله با کسی که با "غیبت کردن" و یا "تهمت زدن" به آب‌وی رغبت‌های هم می‌برد، حمل می‌کند. در حالی که از نظر اخلاقی، "غیبت آبی" بیش از "غیرت" و "غیرت انسانیت" است و تعزیه به "ارزش" آنهاست.
حق دفاع از خوشی در فقه امامی

نعرض به شخصیت انسانیا، گاه در شرایطی اتفاق میافت که امکان دفاع برای شخص وجود ندارد و همگان در حالی که کسی در مقابل خودش نمی‌بیند، یک تازی می‌کند. مثلاً آن‌که:
الف) شخص به دلیل عدم حضور فیزیکی در محل، امکان دفاع ندارد.
ب) شخص به دلیل ضعف و ناچیزی، قدرت دفاع ندارد.
(ج) شخص به دلیل محرمان شدن از ابزار های دفاعی، می‌تواند دفاع کند.
نمونه نوع اول، «غیبت» است. غیبت، تهاجمی است که به آمریکاً شخص در غیاب، یا صورت می‌گیرد. بنابراین، امکان دفاع برای آن وجود ندارد. نمونه نوع دوم انسان‌های «مستضعفی» هستند که هر چند در صحنه برگریکی و برای دفاع از خوشی حاضرند، ولی از توان کافی برای دفاع برخورد نمی‌ندند و نمونه نوع سوم، انسان‌های «هستند» که هن لاحظ «منتظر»، نه از نظر «فیزیکی»، کمبودی در خود احساس کنند، ولی طرف مقابل همه ابزارهای دفاعی را از آنجا سلب کرده است، این رو در برابر تشبیهای که به آنها داده می‌شود، نمی‌توانند حرف بزنند و استدلال داشت.

از نظر فقه اسلامی، مسئول کردن راه دفاع به روه شهروندانی که مورد نسبتهای نارو قرار می‌گیرند، «ظلم» است. حضور امام خمینی که در تفکر فقهی سرآمد عالیان عصر بنیان و بیش از همه دفعه حفظ نظام را داشتند، اجازه نمی‌دادند تا در مجلس شورای اسلامی، به‌کمک حضور تدارک همیشه شود تا موضوعی آن دفاع از وی سلب شود و در هر صورت معتقد بودند که کسی که مورد تعرض قرار گرفته، «باید» از حق استفاده از تربیت مجلس و یا از تربیت‌های عمومی دیگر مثل رادیو تلویزیون و نظرویه دفاع باشد.

اگر در مجلس به تنهایی نیست و راه به مجلس ندارد، که از حوزه دفاع نماید. حملهی یک شاخه به او، اگر داشته باشد، آن حوزه روزش است که اگر در جامعه قرار دارد و نباید دفاع از شهروندان سلب شود و آنان میتواند با ابزارهای نرم، از حیثیت و ابزارهای دفاع کند، تهاجم به اشخاص بیگانه، را شده و حیثیت شهروندان، به رزگی گردده و علم فراگیر می‌باشد.

محکومیت بدون دفاع

از نظر آنیا که ماندات مالک‌پایی ماندیدند، «قرد» داشتند با «حق» بودن، تلازم داخل و هر کسی که قدرت را در اختیار دارد، به دلیل قدرت داشتن: «حق» می‌گیرد و بر طبق حق عمل می‌کند. از نظر این جماعت، «درس» و «نادرست» با «معیار قدرت»، سنگین‌های می‌شود. یعنی هر کسی که ارباب قدرت بتواند انجام دهد، «درس» است و هر کسی که آن را گلخانه کند، «نادرست» است.

این باید در جامعه اسلامی نیز به همین میان‌ان بین جان اعتقاد و دارای دانسته و نیاز به رفع غیر رشته و به نام فقه عرض می‌کند. به همین جهت، «مسر حق دفاع» را گاه با علماً به عنوان «هنر از منکر»، توجیه می‌کند و می‌گوید کسانی که مورد حمله ما قرار می‌گیرند به دلیل آنکه رهبر و کنترل‌کننده، است. لذا نیاز به فرصت دفاع برخورد نمی‌بینند و گاه آن حیرت، «محکومیت بدون دفاع»، استفاده کرده و به استفاده حکم حاکم، آنان را فاقد «حق دفاع» می‌دانند.

برای اشتباهات ماژولین قطعی، بیشتر بودن این توجهات روش روستایی است زیرا به منکر در جایی است که شخص به زشت بودن و منکر بودن رفتار خود توجه دارد، تن هنکه شخص، برای درست نمی‌تواند رفتار خود دلیل و منطق ارائه می‌کند. این دلیل حتی اگر از
نظرما باطل باشد، ولی برای هم موردی برای نهی از منکر و جلوگیری از اظهار نظر و دفاع او نیست. در می‌توان فقهی به این نکته تصریح شده است که وقتی شخصی بر اساس اطلاعات منکر در نظریه‌های مربوط به موضوعی که با زحمت است بیان نکنند او گریزی از نظر ما جنایت گوتی می‌کند در حالی که او آن را غافل حرام نمی‌دانه. (5)

از این رو باید باز به توضیحات قبلی که مطرح کردیم به استدلال «نهی از منکر» اقدام نشیب به این انجام داد، زیرا که بسی از افراد کار خود «حجاب» و دردلاش‌شان باشد و همکاران از استدلال‌های این اطلاعات کافی چیست و بهبود ندارد. در زمینه اخلاقیت مالی این سنت را مطرح کرده و بیان در اخلاقیت جناحی ای سیاسی نیز مستند از همیشه قرار است: "مع بقاء بزرگ "(الگاب) على الحجة و عدم الإهاب بما يحتوي عليه لا يعمد منكر و لاحق ثابت بالذالم حتى يجيب استباهه فانفاذ ظهور النهي عن المنكر.

(در حالی که می‌توان گفت که همکاری ایفای و فرآیند خود را ارائه نکرده و از این اطلاعات کافی وجود ندارد، نمی‌توان گفت که این حاکمیت است. این را آن‌را باشد این را با استادان به‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌هیه‌
حق دفاع از خوشی در فقه اسلامی

فقه علياً: این باره استفاده قابل توجهی دارند، آنها ضرورت حضور در مسئله بروز و دلیل خاص تعیین نمی‌کنند. بلکه می‌گویند: ممکن است کسی با کار خود نشود، اما حضور در روز و شب با یکدیگر حضور خود اعلام قاضی برای مجازات‌ها و موارد مناقشه قرار دهد.

آیت الله میرزا توریزی، ابعاد مختلف این مسئله را به خوبی و کاری کرده و اضافه کرده است که مناظر شریعتی بی‌بسته که باید کمتر به این نظر برسد. اما حکایت از وجود دارد که

وهی بتواند در دفاع خود، ادله حاکم را پایین گذشته کند: «آن الدلیل و اعتماد الحضور هو ان للشخص أن يبطل الحجة التي هي مسئلة موجب الحد و بما ان العلماء من مذاق الشروط ان يناء الحدود على التخفیف و المنعه عن ثبوت موجبة مما كان سبيل لها. فلا يجوز للحاكم في

إجراء امام جعفري الحدحتي مسئلة حتی عليه اما را دارد و قولن باید حضور شریع بر تخفیف است و فیکهی آنا که می‌شهر جلوی

اثبات از گرفته شد باری‌ران حاکم حق دارد با احتمال جحی داشتن ممی‌گایش، در غیاب او حکم علیه او نماید.» (۱۲)

روشن است که در این استفاده، فرقی بین حجیت و تعزیر نیست و هرگونه مجازات‌ها و محکمتهایی حتی در حاکم و بازداشت موکت هم، متمایل هستند. هنگام دلیل برای فدان مسئلة است و روی استند قدرتهای و امتیاز است که تا وقتی محکم

نتوانسته است با حضور آزادانه خود در مکیه، دفاع کند. بنچ برای بیان حاضر باشد این است که شخص

الحجة التي قامت عليه، (این احتمال کافی است که شخص غابت دلیل دارد که دلیل محکم‌آور را ابطال می‌کند) (۱۲)

نوستی، توجه دارد که مقرر نبود، منطق شریعتی از دیون می‌گردد، با خواصی نظرات فقهای گوناگون، ضرورت

می‌یابد و در اینجا به حداکثر اکتفا گردید.

متابع

۱- طباطبایی، محمد حسین. المپان ج چهارم. ایران: سنا، ۱۳۸۴ ص ۲۳۲.
۲- حسینی، روح الله. صحیح امام ج ۱۷۸. تهران: مؤسسه ترجمه و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۷۹ ص ۲۴۰.
۳- شهید ناظری، زین الدین. اطلاعات. ماهنامه طلابی صادق جواهر اسلام: ۱۳۷۸ ص ۲۸۸.
۴- حسینی، روح الله. صحیح امام ج ۱۷۸. تهران: مؤسسه ترجمه و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۷۹ ص ۲۴۸.
۵- حسینی، روح الله. تحریر الوضیله. ج ۱. تهران: دارالعلم، ۱۳۷۰ ص ۴۳.
۶- نراقی، ملا حسن. مسئله آل البيت: ۱۳۷۳ ص ۲۰۹.
۷- حسینی، روح الله. موسوعة المذاه. ج ۲۳. تهران: مؤسسه احیاء آثار الإمام خمینی: ص ۱۳۸۸ ص ۲۴.
۸- طباطبایی زیدی، محمد کاظم. تکلیف العروغ. ج ۲. تهران: داوری، ۱۳۷۳ ص ۲۷.
۱۰- میرزا قمی، میرزا میرزا قمی. رساله المپان ج ۲۳. تهران: دفتر ترجمه اسلامی: ۱۳۷۳ ص ۲۸۳.
۱۱- نراقی، ملا حسن. مسئله آل البيت: ۱۳۷۳ ص ۲۱۱.
۱۲- نراقی، ملا حسن. مسئله آل البيت: ۱۳۷۳ ص ۱۰۸.
۱۳- فیض، محمد حسن. جامعه اسلامی. ج چهارم. ایران: سنا، ۱۳۸۴ ص ۲۳۲.